

افزایش جرایم در سوئد؛ انگشت اتهام به سوی مهاجران

در میان انواع جرایم امنیتی اجتماعی، بیشترین حساسیت سوئدی‌ها بر روی دو جرم؛ قتل و تجاوز است. بیشترین گزارش‌ها، پژوهش‌ها و پوشش رسانه‌ای در این دو زمینه صورت می‌گیرد. سازمان‌های دولتی و غیردولتی، هر سال آمارها و گزارش‌های دقیق همراه با جزئیات کامل منتشر می‌کنند. سپس پژوهشگران دانشگاهی، به تحلیل از زوایای مختلف می‌پردازند.

پنج شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹-۱۷:۰۰



آخرین آمار مربوط به تجاوزها:

گزارش اخیر «سازمان پیشگیری از جرایم Br» سوئد در جمع بندی آمار جرایم سال 2019، واکنش‌های زیادی به همراه داشته است. به ویژه در زمینه جرم تجاوز؛ آمار نشان می‌دهد در سال 2019 تعداد 8820 جرم تجاوز رخ داد که نسبت به سال 2010 حدود 44 درصد افزایش یافت.

در پژوهشی که توسط دانشگاه لوند Lund (متصل به شهر مالمو، واقع در جنوب سوئد، این شهر سهم زیادی در آمار جرم و جنایت سوئد دارد) به سرپرستی اردوان خوشنود، استاد ایرانی تبار، انجام گرفته است، ریشه و اصلیت همه 3039 فرد محکوم شده به جرم تجاوز را در دوره 2015 تا 2019 واکاوی شده است و گفته می‌شود پیش از این هرگز چنین پژوهشی در سوئد انجام نگرفته بود.

نتیجه پژوهش به نفع مهاجران و خارجی تباران سوئد نیست:

بیش از 60 درصد عاملین تجاوز، نسل نخست و یا دوم مهاجران هستند. نیمی از آن‌ها متولد خارج هستند: 35 درصد متولد خاورمیانه، 20 درصد متولد آفریقا و 15 درصد متولد اروپای شرقی هستند. 46 درصد از مجرمان، سابقه تکرار جرم دارند. بسیاری از مجرمان در محلات حاشیه نشین و آسیب پذیر زندگی می‌کردند. بررسی‌های دقیق‌تر از سوابق تحصیلی دو سوم آن‌ها نشان می‌دهد که بهره هوشی کمتر از میانگین جامعه نیز داشتند. بسیاری از مجرمان تجاوز، سابقه انجام جرایم دیگر مانند دزدی از فروشگاه‌ها را هم دارند. 36 درصد از آن‌ها محکومیت دادگاه دارند. 16 درصد مجرمان سابقه اختلال روانی داشتند. 20 درصد مشکلات اعتیاد داشتند.

آمار قتل‌ها:

جمع بندی آمار قتل‌ها در سال 2019 نشان می‌دهد که تعداد 111 نفر به قتل رسیدند. این آمار در سال 2018 به تعداد 108 نفر و در سال 2017 تعداد 113 نفر بود. میانگین قتل برای یک دهه گذشته، سالی 96 نفر بود.

تاریخ چاپ: پنج شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۹

نمودار سرانه جرایم مرگبار در 10 سال اخیر، فراز و نشیب چشم گیری نداشته است، ولی سر و صدای زیادی ایجاد کرده است زیرا کاربرد اسلحه گرم و انفجارها افزایش زیادی داشته است. برای هر جامعه ای، میان قتل با سلاح سرد و قتل با سلاح گرم تفاوت وجود دارد. همان گونه که اسلحه گرم صدای بلندی دارد، قتل با این سلاح هم بازتاب روانی بیشتری نسبت به قتل با سلاح سرد دارد.

آمارها نشان می دهد؛ تعداد قتل در سال 2010 با سال 2019 نزدیک به هم بوده است ولی تعداد قتل با اسلحه گرم در سال 2010، تنها 17 مورد بود در حالی که در سال 2019 به 43 مورد افزایش یافت. ترسناک تر از شلیک گلوله، استفاده از مواد منجره در درگیری های باندى می باشد که ترس زیادی در جامعه ایجاد کرده است. در سال 2018 تعداد 113 مورد انفجار رخ داد ولی در 9 ماهه نخست امسال به 172 مورد افزایش یافت. پلیس بیشتر این انفجارها را به تسویه حساب های میان باندهای خلافکار نسبت می دهد. به گفته پلیس، این درگیری ها قبلا هم وجود داشت ولی موضوع تازه ای که به وجود آمده، این است که این انفجارها به تازگی به محل زندگی عادی مردم نزدیک شده و وحشت در دل مردم انداخته است.

نمودارهای مربوط به جرایم مرگبار سوئد و مقایسه آن با دیگر کشورهای غربی که در پایان این گزارش آمده است، نشان می دهد؛ وضعیت سوئد چندان وخیم نیست و در میانه جدول قرار دارد، ولی روند رو به رشدی دارد و این روند موجب نگرانی شده است.

مقصر کیست:

معمولا در چنین حوادثی، مقامات سیاسی و امنیتی دولت سوئد، نخستین کاری که می کنند نشانه گرفتن انگشت اتهام به سوی گروه جنایتکار سازمان یافته می باشد که عمدتا در کار قاچاق مواد مخدر یا دزدی های سازمان یافته هستند و از انفجار و شلیک گلوله برای تسویه حساب های میان گروهی استفاده می کنند. به گزارش پلیس، حدود 50 باند سازمان یافته وجود دارند که بیش از 1500 نفر را درگیر خود کردند. بیشتر آن ها برای فرار از مجازات، از نوجوانان زیر سن قانونی در قاچاق و قتل بهره کشی می کنند.

جایگاه مهاجران در قتل ها:

در زمینه جرایم مربوط به قتل ها هم انگشت اتهام احزاب دست راستی و گروه های بیگانه ستیز، به سوی مهاجران و خارجی تباران نشانه گرفته می شود و دولت سوسیالیست را نیز به خاطر سیاست های سخاوتمندانه مهاجرتی، مقصر می دانند.

در این زمینه آقای «امیر رستمی»، کارشناس و تحلیلگر پلیس، در یک کار پژوهشی در بررسی پرونده های دوره 2013 تا 2017، نشان می دهد که 90 درصد (از 100 پرونده قتلی که بررسی شده است) مرتکبان دستگیر شده آن ها، یا خودشان متولد خارج بودند یا یکی از والدین آن ها.

در سوئد، نام بردن از قومیت و مذهب مجرمان ممنوع است به همین دلیل، گزارش ذکر شده به مناطق جغرافیایی مجرمان اشاره می کند، بر اساس آن، سهم مناطق جغرافیایی از مجرمان سنگین به صورت زیر است:

نخستین گروه بزرگ مهاجران ورودی به سوئد فنلاندی ها بودند که پیش از پیشرفت اقتصادی کشور خود تا دهه 1970، برای کار به سوئد می آمدند. در این گزارش هیچ فنلاندی در این لیست قرار ندارد.

دومین گروه بزرگ مهاجران ورودی به سوئد، شهروندان آمریکای لاتین بودند که در دهه 1970 از سرکوب های سیاسی دیکتاتور های نظامی آمریکای لاتین فرار کردند. تنها سه درصد مجرمان از این منطقه هستند.

سومین گروه بزرگ پناهنده به سوئد، مردم بالکان بودند که اوایل دهه 90 به سوئد آمدند، این گروه 5 درصد دستگیرشدگان را تشکیل می دهند.

در حال حاضر بزرگترین گروه مهاجران سوئد را مردم خاورمیانه و آفریقا تشکیل می دهند که در 20 سال اخیر آمدند. این گروه، 80 درصد مقصران این گزارش را تشکیل می دهند.

البته در پایان گزارش نتیجه می‌گیرد که، مشکل اصلی به خاطر مناطق جغرافیایی نیست بلکه، به موضوع جذب مهاجران در جامعه سوئدی، مشکلات آموزشی مهاجران تازه وارد، حاشیه نشینی و بیکاری بر می‌گردد. مثلاً نرخ بیکاری در میان سوماتی تباران 30 درصد است ولی نرخ بیکاری کل سوئد 6 تا 7 درصد است. در نتیجه، این مهاجران هنوز جذب جامعه سوئد نشده‌اند.

عواقب سیاسی:

بهره برداری دست راستی‌ها و بیگانه ستیزها:

افزایش آمار جرم و جنایت در سوئد، به یکی از اهرم‌های اصلی احزاب و گروه‌های دست راستی و بیگانه ستیز علیه دولت سوسیالیست سوئد، تبدیل شده است. به ویژه این که تلاش می‌کنند؛ همه تقصیرها را بر گردن موج بزرگ مهاجران خاورمیانه ای بگذارند که در سال 2015 به دنبال اوج گرفتن بحران سوریه، آمدند. از نظر آن‌ها، دولت سبز و سرخ سوئد (ائتلاف دو حزب سبز و سوسیالیست) گناهکار است چون دروازه کشور را بر روی پناهندگان گشود.

در اوج بحران هجوم آوارگان خاورمیانه ای در سال 2015، سوئد به نسبت جمعیت خود، بیشترین پناهندگان را در اروپا پذیرفت.

رشد عجیب حزب تندرو «دموکرات‌های سوئد SD» با گرایش ملی‌گرایی تند، ضد مهاجرت و متهم به داشتن ریشه نازیستی در چند سال اخیر، یکی از نتایج روشن همین تحولات است. مرور تحولات مهم دهه 2010 نشان می‌دهد؛ مهمترین تحول به رشد 6 برابری حزب «دموکرات‌های سوئد SD» مربوط می‌شود. در نظرسنجی‌های ژانویه 2010 میزان محبوبیت این حزب 4 درصد بود ولی با نظرسنجی دسامبر 2019 به 24 درصد رسیده است.

SD از 1988 در انتخابات پارلمانی شرکت می‌کرد ولی تا سال 2010 نتوانست به محدوده 4 درصد برسد و وارد پارلمان شود. در سال 2002 به 1.4 درصد و در سال 2006 به 2.9 درصد رای دست یافت تا این که در انتخابات سپتامبر سال 2010 به 5.7 درصد آرا رسید و برای نخستین بار به پارلمان راه یافت. از آن پس همچنان به رشد تصاعدی خود ادامه داده است. در حقیقت، تنها حزبی بود که رشد داشته است. دیگر احزاب همگی دچار ریزش رای شدند.

حزب SD این روزها به زبان گویای مردم ترسیده از حضور انبوه خارجی‌ها در کشور خود و ناامنی‌هایی که معلوم نیست چقدر مربوط به مهاجران تازه وارد باشد، تبدیل شده است.

نمودارها:

نمودار رشد خشونت‌ها از سال 2006 تاکنون

